

# نکاتی از آیین دادرسی بین‌المللی<sup>1</sup>

ترجمه و تلخیص  
دکتر رضا فیوضی

## مقدمه

اگر عناصر صوری و موضوعی متشکله یک دعوی حقوقی بین‌المللی در داوری بین دولتها را تجزیه کنیم، این عناصر عبارت خواهند بود از:

1- داور اختلاف

2- دولتهای طرف اختلاف

3- مبانی حقوقی مورد استناد خواهان

و خواننده

موضوع مورد بحث این مقاله که یکی از مباحث حساس در دعاوی بین‌المللی میباشد این است که تحقیق شود در یک

---

1. این مقاله اقتباس از یکی از نظریه‌های حقوقی مفصل «خانم پروفیسور اشترن» استاد حقوق دانشگاه پاریس، میباشد که سعی شده است با ملحوظ داشتن مطالعات و تحقیقات دیگری به صورت کنونی تلخیص شود.

دعوای بین‌المللی حدود اختیار داور و طرفین اختلاف در چه کادر و محدوده‌ای قرار دارد؟

به عبارت دیگر، اولاً در آنچه مربوط به داور بین‌المللی است باید بررسی شود که آیا داور حق دارد به بیش از خواسته رأی دهد، یا در موردی غیر از خواسته اظهار نظر کند، یا احتمالاً از دادن رأی استنکاف ورزد و یا مبانی حقوقی جدیدی را رأساً برای موضوع اختلاف تعیین کند؟ و ثانیاً در آنچه مربوط به دولتهای طرف اختلاف می‌باشد باید تحقیق گردد که آیا طرفین یک اختلاف بین‌المللی حق دارند در خواسته و نحوه عنوان و یا مبانی حقوقی که ادعا بر آنها استوار است، در هر زمان و به میل خود در طول دادرسی تغییراتی دهند و در صورتی که این حق برای آنها وجود داشته باشد، حدود آن چیست؟ و آیا داور بین‌المللی موظف به قبول این تغییر و تبدیلات در خواسته و مبانی حقوقی آن هست یا خیر؟

گرچه این موضوع، بسیار پیچیده و در خور مطالعه‌ای طولانی است، معذک سعی شده

در این مقاله پاسخه‌های مقتضی به سؤالات مطروحه داده شود.

قسمت اول این مقاله اختصاص به حدود اختیارات داور دارد و در قسمت دوم، حقوق و تکالیف طرفین اختلاف از حیث تغییر خواسته مورد اختلاف را مطالعه می‌کنیم.

## 1

### اختیارات داور و قاضی بین‌المللی<sup>2</sup>

در مورد حدود اختیارات داور یا قاضی بین‌المللی گفتگوهای زیادی شده و حقوق بین‌الملل در این خصوص دارای قواعدی است. این قواعد را که محصول دکترین و رویه قضایی می‌باشد، می‌توان در دو اصل خلاصه کرد:

1- داور بین‌المللی حق ندارد بیش از خواسته طرفین رأی دهد.

2- داور بین‌المللی در انتخاب قواعد حقوقی که رأی خود را بر آنها استوار می‌کند، آزاد است.

---

2. منظور از قاضی بین‌المللی در این مقاله، قضات دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد.

داور بین‌المللی نمی‌تواند بیش از خواسته  
طرفین رأی دهد

الف - اصل محدود بودن اختیارات داور  
بین‌المللی

این اصل که داور بین‌المللی حق ندارد به بیش از خواسته طرفین حکم کند، ناشی از ماهیت دادرسی قضایی بین‌المللی از جمله داوری بین‌المللی می‌باشد؛ زیرا به‌طور کلی هیچ اختلاف حقوقی به قضاوت یک مرجع قضایی بین‌المللی واگذار نمی‌گردد، مگر آنکه دولتهای طرف اختلاف، صراحتاً رضایت خود را با این امر اعلام کرده باشند. البته مواردی که طی یک قرارداد قبلی مرجع رسیدگی به اختلافات احتمالی مشخص شده و یا دولتی به‌موجب ماده 36 اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت اجباری دیوان را در اختلافات حقوقی با دولتهای دیگر پذیرفته باشد، از این اصل کلی مستثنی است.

در اینجا مطالعه کوتاهی درباره  
دکترین و رویه قضایی بین‌المللی در مورد  
حدود اختیارات داور ضروری است.

## دکترین:

پروفیسور «م. عمر اصلاوی» در کتاب خود تحت عنوان لوایح و تغییرات آن در دادرسی بین‌المللی بحث از اصل مهمی می‌کند که به موجب آن قاضی حق ندارد در مورد مسائلی که در عداد خواسته‌های طرفین نیست اظهار نظر کند و در این مورد می‌گوید: یکی از اصولی که مورد تأیید رویه قضایی می‌باشد این است که قاضی مقید به خواسته‌های طرفین دعوی است و حق ندارد خارج از موارد مشخصی که درباره آنها رأی او خواسته شده است، اتخاذ تصمیم نماید؛ والا نظر او باطل خواهد بود. وظیفه انحصاری یک مرجع قضایی، اتخاذ نظر و اعمال حق در مورد یک وضع معین و در چارچوب مشخصی می‌باشد. حتی اگر داور به موجب قرارداد خاص دارای اختیارات قضایی کلی باشد، معذک نه حق دارد رأساً به اختلافی رسیدگی کند که حل آن به او ارجاع نشده و نه حق دارد کلیه جنبه‌های یک اختلاف را بیش از آنچه که به او ارجاع گردیده است، بررسی کند. به طور کلی دادگاه بین‌المللی حق ندارد در امری اظهار نظر کند که از آن خواسته نشده است

و یا به بیش از آنچه که از آن خواسته شده رأی دهد.

نویسنده اضافه می‌کند: «ضمناً دادگاه حق ندارد در قضاوت نسبت به موضوعی که به آن ارجاع شده است، از دادن رأی استنکاف ورزد یا اینکه خواسته‌ای را جانشین خواسته دیگر کرده و یا با چیزی بیش از آنچه که تقاضا شده است، موافقت نماید. بنابراین، ضرورت دارد که طرفین اختلاف، نکاتی را که باید درباره آنها اعلام رأی شود، صراحتاً مشخص کنند».<sup>3</sup>

**پروفسور «وایتنبرگ»** نیز یادآوری می‌کند: «از جمله شرایط یک دادخواست این است که خواسته یک دولت و یا شخص حقوقی را دقیقاً مشخص و معین کند. به این ترتیب، قاضی حق ندارد با پرداخت وجهی بیش از میزان خواسته، موافقت نماید».<sup>4</sup>

**خانم پروفسور «باستید»** نیز بر این نظر است که: «تجاوز از اختیارات در آنچه مربوط به موضوع اختلاف است... وقتی محقق می‌شود که داور به‌جای مسئله‌ای

---

3. M. Omar Aslaoui- Les conclusion et leurs modifications en procédure judiciaire internationale, Genève, Librairie Droz, 1963, p. 32.

4. J.C. Witenberg- L'organisation judiciaire, la procédure et la sentence internationale, Traité pratique, Paris, pédone, 1937, p. 188.

که اظهار نظر در آن به او محول شده است، در مورد موضوعی رأی دهد که از او خواسته نشده و یا نسبت به بیش از آنچه که در قرارداد داورى معین شده است، اتخاذ نظر کند. همچنین در مواردی که داور فقط وظیفه تعیین غرامت را دارد ولی به مسئله مسئولیت رسیدگی کند، یا برعکس، اختیار او تعیین و تشخیص مسئولیت باشد ولی به جای آن مبادرت به صدور رأی درباره غرامت نماید و یا اینکه در موردی که باید در مورد اختلاف ارضی تصمیم بگیرد، به طور دقیق به وظیفه خود عمل نکند نیز این امر صادق است».<sup>5</sup>

### رویه قضایی:

دیوان بین‌المللی دادگستری بارها این اصل را یادآوری کرده که اختیارات قاضی محدود به مواردی است که طرفین صراحتاً از او خواسته‌اند درباره آنها اتخاذ نظر کند. در رأی تفسیری 27 نوامبر 1950 در دعوی «حق پناهندگی»، دیوان می‌گوید: «لازم است این اصل

---

5. Le Jurisclasseur de droit international à la rubrique d'arbitrage international (FASC. 249, 38, p. 12).

یادآوری شود که دیوان وظیفه دارد در مورد خواسته‌های طرفین اختلاف، وفق آنچه که در آخرین لایحه دفاعیشان به آن اشاره شده است، نظر دهد و از اخذ تصمیم در مواردی که دادخواست نسبت به آنها ساکت می‌باشد، خودداری کند».<sup>6</sup>

در همین قضیه و در محل دیگری دیوان می‌گوید: «گرچه دیوان حق تفسیر لوایح طرفین را دارا است، ولی نمی‌تواند خود را جانشین طرفین کرده و دفاع و خواسته جدیدی را عنوان نماید».<sup>7</sup>

دیوان دائمی دادگستری نیز همین نظر را در قضیه «منافع آلمانیهای ساکن سیلزی علیا» به این شرح بیان می‌کند: «دیوان حق تفسیر لوایح طرفین را دارد، ولی نمی‌تواند براساس نظرات عنوان شده و یا وقایع مورد استناد، خود را جانشین طرفین کرده و ادعاهای جدیدی را طرح کند».<sup>8</sup>

## ب - اتخاذ نظر نسبت به خواسته

---

6. Rec. 1950, p. 402.

7. Rec. 1950, p. 202.

8. C.P.J.I. Série A, n<sup>o</sup> 7, p. 35.



با توجه به اینکه حدود اختیارات داور بستگی به مشخص بودن خواسته‌های طرفین دارد، می‌توان به اهمیت دقیق و روشن بودن خواسته پی برد؛ ولی سؤالی که امکان دارد مطرح شود این است که چگونه می‌توان ادعاهای طرفین اختلاف را به دقت مشخص کرد؟

به طور کلی نظر بر این است که لوائح طرفین و به‌خصوص «نتیجه‌گیری نهایی»<sup>9</sup> آنها بهترین راهنما برای تشخیص خواسته می‌باشد مشروط بر اینکه این نتیجه‌گیریها از چارچوب معین شده در دادخواست تجاوز نکند.

### داور بین‌المللی در انتخاب قواعد حقوقی و ادله خود در چارچوب دستورالعمل پیش‌بینی شده، آزاد است

---

9. منظور از نتیجه‌گیری نهایی (Final Conclusion)، عبارت است از اعلام دقیق آنچه که طرف یک اختلاف در مقابل دادگاه بین‌المللی، مطالبه و تقاضای قضاوت در مورد آن را می‌کند (فرهنگ اصطلاحات حقوقی، پاریس، 1960). در قسمت دوم مقاله به این مطلب اشاره بیشتری خواهیم کرد.

## الف - رعایت چارچوب دستورالعمل پیش‌بینی شده

اگر مأموریت داور در چارچوب دادخواست باشد، او موظف به رعایت کلیه قواعد پیش‌بینی شده در ماده 38 اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است؛ ولی اگر وظیفه او با توجه به قرارداد داوری مشخص شده باشد، این قرارداد، قواعدی را که داور باید اعمال کند تعیین می‌نماید، مانند قرارداد داوری که طی آن حق اعمال قاعده «قضاوت وفق انصاف»<sup>10</sup> برای داور شناخته شده باشد. در هر صورت، در داوریهایی بین‌المللی، معمولاً قرارداد ارجاع به داوری است که قواعد قابل اعمال و احتمالاً نحوه قضاوت را مشخص می‌کند.

بدیهی است اگر داور از چارچوب مشخص شده خارج شود، رأی او ممکن است باطل اعلام گردد؛ مثلاً در دعوای «شرکت کشتی بخاری ارینوکو» رأی صادره از طرف قاضی «بارج»، توسط دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در اکتبر 1925 به این دلیل که

---

10. Ex aequo et bono.

داور از حدود اختیارات تجاوز کرده است، باطل اعلام شد.

دیوان در این زمینه می‌گوید: «تجاوز از اختیارات ممکن است به این صورت باشد که داور در موضوعی که به داور ارجاع نشده است، اتخاذ نظر کرده و یا اینکه قواعد قراردادی را که اساس و نحوه اتخاذ نظر داور را تعیین می‌کند، به‌خصوص از جهت رعایت قواعد و اصول حقوقی قابل اعمال، رعایت نکرده باشد».<sup>11</sup>

باید دید داور بین‌المللی در چارچوب دستورالعمل ذکر شده چه تکلیفی دارد؟ آیا او فقط موظف به اعمال بعضی از قواعد می‌باشد، یا اینکه حق دارد رأساً هر نوع قاعده حقوقی دیگری را که مصلحت می‌داند، رعایت نماید؟ که پاسخ بنا بر مورد، فرق می‌کند.

**ب - آیا قاضی یا داور بین‌المللی می‌تواند رأساً بعضی از اصول حقوقی را عنوان نماید؟**  
برای قاضی بین‌المللی در مواردی که رسیدگی غیابی می‌کند، این اختیار وجود

---

**11.** مراجعه شود به رأی 25 اکتبر 1925 دیوان بین‌المللی دادگستری، صفحه 226. Scott و شماره 292 Stuyt.

دارد که رأساً هر قاعده حقوقی را که مناسب می‌داند عنوان و اعمال نماید. ماده 53 اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در این مورد از یکسو پیش‌بینی می‌کند که دیوان مکلف است کلیه قواعد حقوقی ناظر به صلاحیت خود را بررسی نماید و از سوی دیگر قبل از صدور حکم نسبت به خواسته، مطمئن گردد که مبانی عینی و حقوقی آن معتبر است. به‌علاوه دیوان وظیفه دارد کلیه قواعد ناظر به صلاحیت را که طرفین به آنها توجه نداشته‌اند، مطمح نظر قرار دهد.

به‌طور کلی نظر بر این است که قاضی یا داور بین‌المللی صرفاً مقید به استدلال‌ات طرفین نیست و حق دارد استدلال‌ات حقوقی را که براساس آنها بتواند به تقاضاهای طرفین پاسخ دهد، رأساً انتخاب کند، مشروط بر اینکه از چارچوب پیش‌بینی شده در ماده 38 اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و یا قرارداد داور خارج نشود. به‌علاوه قاضی یا داور بین‌المللی باید در انتخاب مبانی و دلایل حقوقی که اساس تصمیم او است، آزاد باشد. دیوان این حق را در قضیه

آزمایشهای اتمی فرانسه برای خود تأیید و تأکید کرده است. خانم «اشترن» در این زمینه می‌نویسند: «قبول این مطلب، کاملاً منطقی است که اگر دیوان اختیار داشته باشد نکته‌ای را در یک اختلاف مورد بررسی قرار دهد، طبعاً باید حق داشته باشد کلیه عوامل و عناصر مفیدی را که برای نتیجه‌گیری در مورد آن نکته ضروری می‌دانند نیز مورد تحقیق قرار دهد؛ زیرا عقلایی نیست از یکسو برای دیوان اختیار وسیعی برای رسیدن به یک هدف قائل شد، ولی از سوی دیگر در چارچوب این اختیار امکاناتی را که باید در دسترس آن باشد محدود نمود. به عبارت دیگر، دیوان باید قادر باشد هر نتیجه‌گیری را که مفید می‌داند، اتخاذ کند. بدیهی است چنین امری مستلزم این است که دیوان واجد اختیار برای تحقیق درباره کلیه عواملی که در به وجود آمدن اختلاف تأثیر داشته است، باشد و بتواند وقایع موضوعی را تشخیص دهد و به تحلیل حقوقی این وقایع مبادرت ورزد. همچنین دیوان باید اختیار داشته باشد در مورد بررسی هر قاعده و

اصل حقوقی که در تشخیص واقعیت اختلاف مورد نیاز است، موضع‌گیری کند».<sup>12</sup>

انستیتوی حقوق بین‌الملل در سال 1875 در این زمینه قاعده‌ای را وضع کرد که در سال 1927 مورد تجدیدنظر قرار گرفت و موضوع ماده 22 طرح انستیتو گردید.<sup>13</sup> در این ماده گفته شده است: «در صورتی که دادگاه ادعاهای هیچکدام از طرفین را معتبر ندانست، این موضوع را باید اعلام نماید و اگر قرارداد داور، اختیارش را محدود نکرده باشد، باید حقوق واقعی ناظر به دو طرف اختلاف را تعیین کند».

یادداشت تنظیمی در این موضوع از طرف مخبرین کمیسیون تأیید می‌کند که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری هرگز تردیدی به خود راه نداده است که در توجیه آرای خود به قواعد حقوقی که اعتقادش را جلب کرده‌اند، استناد کند و تصمیمات خود را براساس آنها استوار

---

12. B. Bollecker-Stern, L'affaire des essais nucléaires français devant la cour internationale de justice, A.F.D.I. 1974, p. 316.

13. مراجعه شود به کارهای مقدماتی اجلاس لوزان، چهاردهمین کمیسیون آیین داور، صفحه 583 به بعد گزارش کمیسیون: MM. F.L. de la Barra et A. Mercier, Annuaire I.D.I., 1927

نماید؛ اعم از اینکه این استدلال‌ها در طول دادرسی ارائه شده یا نشده باشند. نظر به اینکه صلاحیت داور یا قاضی بین‌المللی ناشی از قرارداد ارجاع به داور است، بنابراین داور حق دارد در مواردی که نسبت به مدلول قرارداد تردید حاصل شود، مبادرت به تفسیر آن نماید و هیچ چیز نیز مانع آن نیست که در ضمن تفسیر و به این شرط که از حدود قواعد ناظر به تفسیرات حقوقی خارج نشود، رأساً به بعضی از قواعد حقوقی استناد کند. رأی معروف «آلاباما» در اختلاف بین ایالات متحده و انگلیس در سال 1872، از آرای معروف در زمینه حدود اختیارات یک داور بین‌المللی است.<sup>14</sup>

دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه نیز چندین بار فرصت یافته است که نسبت به این اصل مهم اظهار نظر قضایی کند. دیوان در رأی مورخ سوم مارس 1928 در قضیه «صلاحیت دادگاههای دانتزیگ» اعلام می‌کند: «احراز صلاحیت مستلزم این اختیار است که داور بین‌المللی، حقوق و قواعد قابل

---

14. مراجعه شود به صفحات 910-913، جلد دوم، R.A.I.

اعمال در اختلاف مورد نظر را انتخاب کند».<sup>15</sup>

چند ماه بعد در قضیه «مبادله اهالی ترك با يونانيها» در رأي 28 اوت 1928 خود اين نظر را تكرر کرده و ميگويد: «به طور كلي هر مرجعي كه واجد وصف قضا است، در درجه اول حق دارد نسبت به دامنه و حدود اختيارات خود اظهار نظر کند».

در قضیه «كشتي لوتوس» (فرانسه - تركيه) ديوان در رأي 7 سپتامبر 1927 ميگويد: «ديوان در انجام وظيفه اش كه تشخيص حقوق بين الملل مي باشد، تحقيق خود را محدود نكرده است؛ بلكه دامنه بررسي را به كليهِ سوابق قضايي و دكترين و وقايعي كه بررسي آنها وجود اصلي از اصول حقوق بين الملل را كه در قرارداد داوري به آن اشاره شده اثبات مي كند، تعميم داده است. مسئله كاملاً روشن است، به اين معنا كه ديوان براي اثبات وجود و يا فقدان يك قاعده حقوق بين الملل كه طرفين اختلاف به آن استناد مي كنند، حق

---

15. مجموعه آراي ديوان دائمي بين المللي دادگستري - سري B شماره 16، ص 20.



دارد به هر نوع استدلال حقوقی متوسل گردد».<sup>16</sup>

در رأی معروف دیگری در قضیه «کمیسیون رودخانه ادر» بین لهستان و شش کشور ذینفع دیگر، در مورد قابل استناد بودن یا نبودن قرارداد بارسلون که مورد اختلاف طرفین دعوی بود، دیوان نظر داد که چون بررسی این مطلب صرفاً یک موضوع حقوقی است، دیوان حق دارد رأساً درباره آن مطالعه و اتخاذ تصمیم کند.<sup>17</sup>

دیوان همین موضع را در قضیه مربوط به اعمال قرارداد 1902 راجع به حل و فصل مسئله سرپرستی صغار انتخاب کرده و می‌گوید: «دیوان در انتخاب مستندات و دلایل حقوقی که رأی خود را براساس آنها صادر می‌کند، آزاد است».<sup>18</sup>

### ج - حق داور در تفکیک بین نتیجه‌گیریها و دلایل طرفین

---

16. مجموعه آرای دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، سری A شماره 9، ص 31.

17. مجموعه آرای دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، سری A/B شماره 16، ص 3.

18. مجموعه آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، صفحات 14 و 15، 1958.

در يك دعواي بين‌المللي، داور بايد به نتیجه‌گیری‌های طرفین توجه کامل داشته باشد؛ ولي در انتخاب و رد دلایل حقيقي که ممکن است این نتیجه‌گیریها بر آنها متكي باشد، آزاد است. بنابراین، تفکیک و تشخیص این دو مطلب برای داور بسیار ضروري است؛ زیرا این تفکیک در حقیقت مرز و محدوده اختیارات و حقوق او نسبت به دلایل و نتیجه‌گیریها است.

در این زمینه رويه قضايي بين‌المللي نسبتاً غني وجود دارد. مثلاً در قضيه «نوته‌بام»<sup>19</sup> و در رأي مورخ ششم آوریل 1955، دیوان بین‌المللي دادگستري بین خواسته طرفین که مربوط به قابل رسیدگی بودن یا نبودن دادخواست لیختن اشتاین بود از يك طرف و استدالات حقيقي که هر کدام در دفاع از نظر خود ارائه می‌کردند از طرف دیگر، قائل به تفکیک شد. دیوان می‌گوید: دولت لیختن اشتاین به استناد تابعیتی که به نوته‌بام داده است، خود را محق می‌داند که در مورد مطالبات او به دیوان مراجعه کند، و نتیجه‌گیری‌های

---

19. مجموعه آرای دیوان بین‌المللي دادگستري، صفحه 2، 1955.

نهایی او در این موضوع، متضمن دو نوع تقاضا است؛ به این معنا که لیختن اشتاین از دیوان خواسته است که در مرحله اول اعلام نماید تابعیت اکتسابی «فرد ریک نوته بام» که در تاریخ 13 اکتبر 1939 از طرف دولت لیختن اشتاین به او داده شده است، مخالف حقوق بین‌الملل نیست، و در مرحله دوم دیوان بگوید که تقاضای دولت لیختن اشتاین در حمایت سیاسی از نوته‌بام به‌عنوان تبعه، قابل رسیدگی در دیوان است. از طرف دیگر، دولت گواتمالا در نتیجه‌گیری نهایی خود، از دیوان می‌خواهد تا اعلام نماید که ادعای لیختن اشتاین قابل رسیدگی در این دیوان نمی‌باشد.

به این ترتیب مسئله واقعی که باید دیوان تحقیق کند «قابل رسیدگی بودن دادخواست لیختن اشتاین در حمایت از نوته‌بام» است. لیختن اشتاین در پشتیبانی از نظر خود در لایحه اولیه فقط به ارائه یک دلیل قناعت می‌کند؛ در حالی که در استدلال‌ها گوناگونی که گواتمالا در مسئله تابعیت ارائه می‌نماید، سعی در اثبات غیرقابل رسیدگی بودن دادخواست

لیختن اشتاین شده است. به این ترتیب، وظیفه دیوان اتخاذ نظر در مورد قابل رسیدگی بودن ادعای لیختن اشتاین به نفع نوتته‌بام است و دیوان در این مورد حق دارد اظهارنظر خود را مبتنی بر دلایل و مستندات می‌دهد.<sup>20</sup>

بنابراین می‌بینیم که دیوان ضمن مقید بودن به نتیجه‌گیری و خواسته‌های طرفین، در انتخاب دلایل و مستندات حقوقی، خود را مختار می‌داند.

در قضیه «ماه‌گیری»<sup>21</sup> نیز دیوان از آغاز اقدام به تفکیک بین نتیجه‌گیری‌ها و دلایلی نمود که در پشتیبانی از آنها ارائه شده بود. دیوان اعلام کرد که «پیشنهادات عامل دولت انگلیس... تحت عنوان نتیجه‌گیری، واجد خصوصیتی است که یک بررسی دقیق را ایجاب می‌کند». دیوان به این نظر رسید که بندهای 12 و 13 دادخواست را باید به‌عنوان نتیجه‌گیری‌های واقعی تلقی کرد؛ در حالی که از بند 3 تا یازدهم را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای

---

20. همان مرجع، ص 6.

21. *Affaire des Pêcheries*- (C.I.J. Rec. 1951, p. 125-126).

از تعاریف و یا قواعد حقوقی دانست که بعضی از ادعاها را توجیه می‌کنند، ولی متن دقیق و مستقیم یک خواسته نیستند و در صورت لزوم ممکن است دلایل رأی باشند، نه موضوع آن.

قاضی «گراس» نیز در نظریه مخالف خود در این قضیه اشاره به لزوم تفکیک و تمایز بین نتیجه‌گیری و دلایل کرده و می‌نویسد: مدتها است که مشکلات ناشی از نتیجه‌گیری‌هایی که در عین حال متضمن دلایل اثبات خواسته نیز بوده و ضمناً مبین آنچه که دادگاه باید درباره آن اتخاذ نظر کند هم می‌باشد، مطرح شده است و این قضیه نمونه تازه‌ای از این نوع است... دیوان که تنها داور در تشخیص صلاحیت خود می‌باشد، باید از نتیجه‌گیری‌هایی که به آن ارائه شده است، بین آنچه که دلیل در پشتیبانی از خواسته و اثبات آن بوده و آنچه که دقیقاً خود خواسته را تشکیل می‌دهد، تفکیک قائل شود. خواسته نباید از موضوع صلاحیت تفویض شده به دیوان تجاوز کند و این صلاحیت، محدود است به اعلامیه دولت ایسلند در مورد اینکه توسعه یکجانبه

حاکمیت آن کشور (در مورد آبهای ساحلی) از 12 به 50 میل دریایی از تاریخ اول سپتامبر 1972، منطبق با قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد.<sup>22</sup>

آنچه فوقاً ذکر شد چکیده‌ای است از حدود اختیارات داور یا قاضی بین‌المللی در قضاوت و اتخاذ نظر نسبت به آنچه که از طرف خواهان و خواننده طی لوائح گوناگون و به‌عنوان خواسته و مستندات و دلایل حقوقی در پشتیبانی از آن، ارائه می‌گردد. باید توجه داشت که مسئله را نمی‌توان طی چند صفحه به‌طور جامع و کامل مطرح نمود؛ زیرا نکات دقیق بسیاری وجود دارد که برای تحقیق در آنها باید به دهها کتاب آیین دادرسی بین‌المللی به زبانهای گوناگون مراجعه کرد که طبیعی است طرح همه آنها از حوصله این مقاله خارج می‌باشد.

در مقام تلخیص و نتیجه‌گیری از آنچه تا اینجا ذکر شد، می‌توان به ملاحظات زیر رسید:

---

22. (C.I.J., Rec. 1974, op. diss., § 20, p. 137).

- 1- داور بین‌المللی در زمینه خواسته مقید به چارچوب پیش‌بینی شده در قرارداد ارجاع به داوری است.
- 2- داور بین‌المللی نمی‌تواند به بیش از خواسته رأی دهد.
- 3- داور بین‌المللی حق ندارد در مورد که اظهار نظر در آن از او خواسته نشده است، اتخاذ نظر کند.
- 4- داور بین‌المللی حق ندارد رأی صادر کند که نسبت به کشور دیگری که در دعوی شرکت ندارد، مؤثر باشد.
- 5- داوری بین‌المللی حق تجاوز از اختیاراتی که به موجب قرارداد به او ارجاع شده است، ندارد؛ ولی در تفسیر آن، با رعایت قواعد تفسیر، آزاد است.
- 6- داور بین‌المللی حق تفکیک و تشخیص بین خواسته دعوی و دلایل و مستندات در پشتیبانی از آن را دارد.
- 7- داور بین‌المللی حق انتخاب قواعد حقوقی که رأی خود را بر آنها استوار می‌کند، دارد.
- 8- داور بین‌المللی حق ندارد در حل و فصل یک اختلاف رأساً یکی از قواعد حقوق بین‌الملل را که طرفین به آن استناد

نکرده اند، مطرح کند مگر با رعایت شروط سه گانه زیر:

الف - از چارچوب شروط مندرج در قرارداد ارجاع به داوری خارج نشود.

ب - از حدود نتیجه گیریهای طرفین، تجاوز نکند.

ج - موضوع اختلاف را تغییر ندهد.

## 2

### حقوق و تکالیف طرفین اختلاف و تغییر خواسته

در قسمت اول این مقاله نکاتی درباره حقوق و اختیارات قاضی و داور بین المللی ارائه و تشریح گردید. در این قسمت کوشش بر این است که تا حدودی در مورد حقوق و تکالیف طرفین يك اختلاف در رابطه با خواسته دعوی در يك دادرسی بین المللی ملاحظاتی را ارائه کنیم.

به طور کلی در يك دادرسی بین المللی رعایت اصولی که باید آنها را از جمله قواعد آمره بین المللی<sup>23</sup> تلقی کرد، اجباری است؛ اعم از اینکه این اصول در

---

23. Jus Cogens.



قرارداد داوري و يا آيين دادرسي مرجع رسيدگي ذکر شده باشند يا خير، که در مقام تلخيص آنها مي‌توان سه اصل زير را ذکر کرد:

اصل اول عبارت است از اصل *audi alteram partem*. به موجب اين اصل طرفين يك اختلاف بايد حق و فرصت داشته باشند تا استدلالات و مدافعاتي را که براي احقاق حق خود ضروري مي‌دانند، ارائه کنند.

اصل دوم عبارت است از اصل «دفاع».<sup>24</sup> مطابق اين اصل دلایلي که يك طرف در پشتيباني از ادعای خود ارائه مي‌کند و داور يا قاضي آنها را مي‌پذيرد، بايد به طرف ديگر ابلاغ شود تا او بتواند در رد آنها اقدام کند.

اصل سوم اين است که رأي داور يا قاضي منحصرأً متکي به استدلالات يك طرف يا طرف ديگر نبوده، بلکه اظهارنظر قضايي او بايد مبتني بر آن اعتقاد حقيقي باشد که با توجه به کليه عناصر اختلاف براي او حاصل شده است.<sup>25</sup>

---

24. Contradictoire.

25. R. David: Arbitrage dans le commerce international, Economical, Paris, 1982, p. 405 .

ذیلاً به بررسی‌هایی در اطراف دو اصل اولیه می‌پردازیم، بدون اینکه مستقیماً به آنها اشاره کنیم.

### الف - حقوق و تکالیف طرفین يك اختلاف در رابطه با خواسته

ماده 49 آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری رئوس این حقوق و تکالیف را که ضمناً عناصر صوری يك دادرسی بین‌المللی نیز هستند، به این شرح بیان می‌کند:

دادخواست، عبارت است از تشریح وقایع اساس خواسته و مستندات حقوقی آن و نتیجه‌گیری مورد نظر.

لایحه جوابیه عبارت است از قبول یا رد وقایع و ملاحظات در مورد مستندات حقوقی مدعی و پاسخ حقوقی نسبت به آن و نتیجه‌گیری.

در لایحه مجدد خواهان و پاسخ مجدد خواننده، در صورتی که دادگاه تسلیم آنها را مجاز کرده باشد، طرفین نه تنها نظرات سابق را تکرار می‌کنند، بلکه مواردی را که درباره آنها اختلاف نظر دارند، مشخص می‌نمایند.

هر سندی که یک طرف تسلیم می‌کند متضمن نتیجه‌گیری آن طرف در مرحله‌ای از دادرسی که مربوط به آن است، می‌باشد و این نتیجه‌گیری، از دلایل و مستندات متمایز است و یا نتیجه‌گیری‌های سابق را تأیید می‌کند.

حقوق و تکالیف طرفین یک اختلاف معمولاً در قواعد دادرسی تمام مراجع دادرسی‌های بین‌المللی، اعم از اینکه مرجع رسیدگی خاص<sup>26</sup> باشد یا دائمی، به طرق گوناگون و انشاهای مختلف ذکر شده است و عدم رعایت آنها ممکن است موجبات بطلان رأی داور را فراهم نماید. مثلاً بنابر ماده 5 قرارداد 10 ژوئن 1958 نیویورک راجع به شناسایی و اجرای احکام داور، آرایه‌ای که در صدور آنها این قواعد دادرسی رعایت نشده باشد، شناسایی و اجرای آنها مردود می‌شود. بند «ب» این ماده به‌خصوص مصرح است به اینکه «... یا رعایت آیین دادرسی نشده باشد و یا به دلایلی، یکی از طرفین نتوانسته باشد در احقاق حق خود اقدام کند...».

---

26. Ad hoc.

به این ترتیب و به‌طوری که مدلول ماده 49 آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد، نتیجه‌گیریهای طرفین يك اختلاف طی لوائح، از عناصر مهم و اساسی يك اختلاف بین‌المللی می‌باشد و تقریباً کلیه حقوق و تکالیف طرفین و خواسته دعوی بر محور آن دور می‌زند؛ لذا تحقیق و بررسی بیشتر آن ضروری است.

#### ب - تعریف نتیجه‌گیری

اغراق نیست اگر گفته شود نتیجه‌گیریهای طرفین و به‌خصوص «نتیجه‌گیریهای نهایی»، کلید اساسی در حل و فصل اختلافات حقوقی بین‌المللی است. در يك اختلاف حقوقی بین‌المللی که ممکن است چندین سال طول بکشد و در طی آن هزاران برگ به‌صورت دادخواست و ضمائم و لوائح الحاقیه یا جوابیه و دیگر اسناد رد و بدل شود، تنها نتیجه‌گیریها است که از بین برگهای بی‌شمار، قاضی و داور بین‌المللی و طرفین اختلاف را به ریشه اختلاف و راه‌حلهای مطلوب می‌رساند. در فرهنگ اصطلاحات حقوقی (پاریس - 1960) در تعریف نتیجه‌گیریها گفته شده

است: «اصطلاح آیین دادرسی که ناظر است به اعلام دقیق آنچه که طرف يك اختلاف در مقابل دادگاه بین‌المللی مطالبه و تقاضای قضاوت در مورد آنها را می‌کند. در مقدمه ارائه این مطالبه، ممکن است خلاصه‌ای از دلایل استنادی در دفاع از ادعا را نیز جداگانه ذکر کرد».

به‌طور خلاصه در نتیجه‌گیریها طرفین اختلاف، خواسته خود را بیان و مستندات می‌کنند. بنابراین طبیعی است که هر نوع تغییر بی‌موقع در این نتیجه‌گیریها ممکن است خواسته را نیز تغییر دهد و یا اختلاف را به اختلافی با ماهیت دیگر تبدیل کند و یا اینکه حق دفاع طرف را مختل نماید بدون آنکه او فرصت داشته باشد در مقام جوابگویی برآید، و در نتیجه حق او ضایع گردد.

### ج - اصلاح و تغییر نتیجه‌گیریها

اصل عمومی این است که نتیجه‌گیریها را می‌توان در طول دادرسی تغییر داد. دکترین و رویه قضایی نیز در تأیید این اصل می‌باشند.

## دکترین:

پروفسور «ژول بسدوان» در تفسیر ماده 42 آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری سال 1946 (ماده 49 مقررات فعلی) می‌نویسد: «ماده 42 قواعد دیوان تجویز می‌کند که دادخواست و لایحه جوابیه آن، علاوه بر تشریح وقایع و مستندات حقوقی، باید متضمن نتیجه‌گیری نیز باشد».

منظور از اصطلاح نتیجه‌گیری در این مرحله عبارت است از خلاصه‌ای روشن و دقیق از موضوعی که طرفین تقاضا دارند دیوان نسبت به آن اظهار نظر کند. بنابراین، این نتیجه‌گیریها نهایی تلقی نشده و طرفین دعوی حق دارند در طول دادرسی، آنها را تغییر دهند. به این ترتیب اگر طرفی تغییراتی در خواسته خود نداد، طبعاً دیوان براساس نتیجه‌گیری و لایحه‌ای که قبلاً داده شده است، اتخاذ نظر خواهد کرد.<sup>27</sup>

---

27. Quelques mots sur les "Conclusions" en procédure internationale, Jules Basdevant in Scritti in onore di Thomas Perassi, Milan, Giuffrè, 1957, t.1, p. 177.

پروفیسور «راسن» امکان تغییر نتیجه‌گیری را برای طرفین تأیید کرده و می‌نویسد: «در دعاوی، طرفین به‌طور عقلایی آزادی دارند که نتیجه‌گیری‌های خود را در طول دادرسی تغییر دهند».<sup>28</sup>

خانم پروفیسور «بستید» نیز این اصل را از بدیهیات دانسته و می‌گوید: «این امری پذیرفته شده است که طرفین اختلاف می‌توانند نتیجه‌گیری‌های خود را در طول دادرسی تغییر دهند».<sup>29</sup>

### رویه قضایی بین‌المللی:

رویه قضایی بین‌المللی نیز در تأیید این حق طرفین اختلاف است. در قضیه «کارخانه کورزو»، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تصریح دارد به اینکه «تغییرات در نتیجه‌گیری‌ها تا پایان اختلاف امکان‌پذیر است».<sup>30</sup> نظر مشروحه فوق در رأی دیوان دائمی دادگستری در قضیه «شرکت بازرگانی بلژیک» نیز تأیید گردید. دیوان می‌گوید: «بنابر اصول، طرفین اختلاف همیشه اختیار دارند

28. The Law and Practice of the International Court (Levden, Sijthoff), 1956, p. 584.

29. Le Jurisclasseur, à la rubrique d'arbitrage international, FASC. 248, 9, 1961, p. 11.

30. C.P.J.I.; 26 Juillet 1927, Série A, n<sup>o</sup> 9, p. 7.

که نتیجه‌گیری خود را تا پایان دادرسی شفاهی تغییر دهند».<sup>31</sup>

در قضایای دیگری که به وسیله دیوان رسیدگی شد، این اصل تأیید گردید. مثلاً در قضیه «بارسلونا تراکشن» دیوان بر این نظر است که «خواهان همیشه مختار است تا نتیجه‌گیریهای خود را تغییر دهد و در عمل نیز معمولاً نتیجه‌گیریهای نهایی طرفین با آنچه که قبلاً طی اسنادی به دیوان تسلیم شده است، تفاوت‌هایی دارد».<sup>32</sup>

#### د. شرایط اصلاح و تغییر نتیجه‌گیریها و نتیجه منطقی آن

گرچه طرفین یک اختلاف در یک مرجع بین‌المللی مانند داور و یا یک دادگاه بین‌المللی، حق دارند نتیجه‌گیریهای خود را در طول دادرسی تغییر دهند، ولی این حق به‌نحو اطلاق نبوده و اعمال آن موکول به رعایت شرایطی است:

---

31. C.P.J.I., Série A/B, n° 78, p. 78.

32. C.I.J., Rec. 1969, février 1969.



تغییر در نتیجه‌گیریها قبل از پایان جلسات و منطبق با آیین کار دادگاه باشد.

تغییرات به نحو عقلایی صورت گیرد. تغییرات در شرایط زمانی مناسبی صورت گیرد که طرف مقابل فرصت داشته باشد در صورت لزوم به آن پاسخ دهد. تغییرات منجر به ارائه خواسته جدیدی نگردد.

دکترین و رویه قضایی بین‌المللی و داخلی در این مورد اتفاق نظر دارند که پس از پایان مدافعات و جلسات استماع، هیچ نوع مدرک اضافی و یا تقاضای جدید و یا استدلال حقوقی از طرفین پذیرفته نیست و به‌خصوص آنکه پس از لایحه خلاصه‌ای که بعد از جلسه استماع تسلیم می‌شود،<sup>33</sup> تعیین مبنای جدیدی برای خسارت قابل قبول نمی‌باشد.

### دکترین:

پروفسور راسن کارشناس بزرگ مسائل آیین دادرسی در مراجع بین‌المللی، در مورد قابل قبول بودن ملاحظاتی که با

---

33. Post-hearing brief.

تأخیر و پس از پایان دادرسی تسلیم گردد، با توجه به ماده 54 اساسنامه می‌نویسد: در چنین شرایطی «طرفین در مقابل دیوان برای تسلیم لایحه کتبی اضافی یا استدلال حقوقی جدید، حق دیگری نخواهند داشت».<sup>34</sup>

این نظریه در ادبیات حقوقی و آثاری که در موضوع آیین دادرسی نوشته شده است، تأیید گردیده و طبعاً باید آن را از اصول عمومی آیین دادرسی تلقی کرد. مثلاً پروفیسور «مري» می‌نویسد: «طرفین یک اختلاف وظیفه دارند لوايح نهایی خود را قبل از پایان جلسات استماع تسلیم دادگاه نمایند».<sup>35</sup>

در ماده 1448 قانون آیین دادرسی فرانسه در بخش مربوط به داوری گفته شده است: «داور، تاریخی را که در موعد آن اختلاف به مشاوره و صدور رأی گذارده می‌شود، تعیین می‌کند. بعد از این تاریخ، ادعا و یا ایراد و مستند دیگری پذیرفته نیست و همچنین ملاحظات و اسناد جدیدی را

---

34. The Law and procedure of the International Court, Leyden, Sjtthoff, 1960, p.59.

35. International adjudication, procedural aspects, the Hague Nijhoff, 1980, p. 141.

نمی‌توان ارائه کرد، مگر آنکه داور تقاضا نماید».<sup>36</sup>

### رویه قضایی:

اصل عدم امکان تغییر در نتیجه‌گیری، پس از پایان دادرسی، در آیین دادرسی کلیه سیستم‌های حقوقی ملحوظ است، گرچه ممکن است نحوه انشاء و یا عمل به آن متفاوت باشد. مثلاً در این زمینه رویه قضایی فرانسه در فرهنگ Dalloz به این شرح خلاصه شده است: «پس از قرائت گزارش داور و قاضی و ختم مدافعات، دادرسی خاتمه می‌یابد و طرفین دعوی حق تسلیم نتیجه‌گیری‌های جدیدی را ندارند، مگر آنکه دادگاه تصمیم به آغاز مجدد مباحثات بگیرد».

تحولات جدید در رویه قضایی فرانسه در جهت سخت‌گیری شدید اعمال این اصل است که «پس از پایان دادرسی، طرفین از تسلیم نتیجه‌گیری‌های جدید ممنوعند؛ در غیر این صورت، رأیی که بر مبنای این نتیجه‌گیری‌ها که با تأخیر تسلیم شده و در اطراف آن نیز مدافعاتی صورت نگرفته

---

36. Code de procedure civile Francaise, Livre IV Arbitrage.

صادر شده است، باطل می‌باشد و این ضمانت اجرا مربوط به نظم عمومی بوده و از لحظه‌ای که این نتیجه‌گیریها در تصمیم قاضی اثر بگذارد، این ضمانت اجرا اعمال می‌شود».<sup>37</sup>

### رویه قضایی بین‌المللی:

رویه قضایی بین‌المللی و به‌خصوص رویه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری فعلی نیز در تأیید این اصل است و به‌کرات تأکید کرده‌اند که تغییر در نتیجه‌گیریها فقط تا پایان دادرسی امکان‌پذیر است و به‌خصوص نباید موجب تغییر خواسته درخواست گردد.

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه «پرنس فن پلز» می‌گوید: «چون برای تشخیص اختلاف لازم است موضوع آن معین باشد و با توجه به اینکه بنابر ماده 40 اساسنامه دیوان، دادخواست باید متضمن موضوع اختلاف باشد، بنابراین، نتیجه‌گیریها ضمن اینکه مدلول دادخواست

---

37. Dalloz, Civ. 27 mars 1963, D. 1963, Somm. 100 robrique "Conclusions", § 59 p. 224.

را روشن می‌کند، معذک نباید از محدوده خواسته آن تجاوز نماید».<sup>38</sup>

همچنین در قضیه «شرکت بازرگانی بلژیک» دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری این نظر را تأیید کرده و می‌گوید: «مسلم است که بنابر اصول، دیوان نمی‌تواند اجازه دهد اختلافی که براساس یک دادخواست به آن ارجاع گردیده است با تغییر در نتیجه‌گیری به اختلاف دیگری که واجد همان خصوصیات نیست، تبدیل گردد».<sup>39</sup>

در زمینه شروطی که باید در تغییرات نتیجه‌گیریها رعایت گردد و فوقاً به آنها اشاره شد، قاضی «رید» در نظر مخالف خود در قضیه «قروض نروژ» و به مناسبت تغییراتی که فرانسه در نتیجه‌گیریهای خود داده بود، به‌طور شایسته‌ای بحث کرده و این شروط را تشریح نموده است.<sup>40</sup> قاضی رید می‌گوید: «رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی طرفین اختلاف را مجاز می‌کند که نتیجه‌گیریهای خود را تا

---

38. Affaire relative à l'administration du prince Von Pless (Ord. du 4 février 1933, Série A/B, n° 52).

39. Affaire Société Commerciale de Belgique (C.P.J.I. Série A/B n° 78, p. 173).

40. Des emprunts Norvégiens, Rec. 1975, Diss, Opin, p. 80-100.

پایان دادرسی شفاهی تغییر دهند. و چون رئیس دیوان از طرفین خواسته بود نتیجه‌گیریهای نهایی خود را قبل از اختتام دادرسی شفاهی تسلیم نمایند...»، بنابراین فرانسه در این مرحله از دادرسی حق داشته است نتیجه‌گیریهای خود را تغییر دهد. ولی می‌دانیم این اصل به‌نحو اطلاق نیست و اعمال آن موکول به رعایت شرایطی است. قاضی رید در این باره اضافه می‌کند: «این حق در دو مورد محدود و مشروط می‌شود: نخست در صورتی که تغییرات مهم باشد، که در این صورت طرف دیگر باید فرصت معقولی داشته باشد که تغییرات و نظرات خود را نسبت به این تغییرات ارائه نماید. در قضیه و دعوی مطروحه، فرانسه تغییرات در نتیجه‌گیریهای خود را در پایان اولین دفاع اعلام داشت و دولت نروژ دوباره فرصت داشته است که پاسخگویی کند و از این فرصتها نیز کاملاً استفاده نمود. شرط دوم این است که طرف اختلاف به این وسیله سعی ننماید اختلاف جدیدی را به دیوان بیاورد. در چنین موردی نتیجه‌گیریهای تغییر یافته قابل قبول نیست، مگر آنکه

عناصر جدیدی توسط دولت مدعی‌علیه و یا هر دو دولت در طول دادرسی کتبی و شفاهی به موضوع اختلاف افزوده شود. شرط نخست در زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در آنچه مربوط به شرط دوم می‌شود، به‌نحوی که ماده 40 اساسنامه دیوان نیز می‌گوید: «نتیجه‌گیریهای نهایی باید در چارچوب موضوع اختلاف باشد».<sup>41</sup>

قاضی نامبرده در خاتمه نتیجه می‌گیرد: «در چنین اوضاع و احوالی عقیده من بر این است که نتیجه‌گیریهای دولت فرانسه در طول دادرسی کتبی و شفاهی از محدوده اختلاف خارج نبوده است و مسئولیت اطاله حل اختلاف به‌خصوص به‌عهد دولت نروژ می‌باشد و یا به‌هر حال این دولت به مقیاس زیادی در این مسئولیت با دولت فرانسه شریک است. در چنین وضعی نروژ حق ندارد از اطاله رسیدگی به اختلاف شاکی باشد».<sup>42</sup>

در این مورد باید اضافه کرد که در بسیاری از قواعد آیین دادرسی‌های بین‌المللی این قاعده که تغییر در

---

41. همان مرجع، ص 8-100.

42. همان مرجع.

نتیجه‌گیریها نباید در ماهیت اختلاف تغییر دهد، تصریح شده است، مانند ماده 25 آیین دادرسی دادگاههای داورى آلمان - بلژیک، اتریش - بلژیک و بلغارستان - بلژیک و ماده 7 آیین دادرسی دادگاههای داورى فرانسه - آلمان، فرانسه - بلژیک و فرانسه - اتریش بعد از جنگ دوم جهانی. در مواردی که این اصل در قرارداد داورى و یا آیین دادرسی آن ذکر نشده باشد، باید به اعتبار قاعده عرفی آن عمل شود.

در مقام نتیجه‌گیری کلی از آنچه که در این قسمت از مقاله ذکر گردید و با توجه به اینکه اساس قضاوت و داورى بین‌المللی مبتنی بر رضایت طرفین اختلاف است، می‌توان گفت:

1- طرفین اختلاف حق دارند طی لوایح و لوایح جوابیه نظرات و ادله خود را مشروحاً در اطراف خواسته تشریح نموده و هر سندی دارند ارائه کنند.

2- هر طرف باید حق و فرصت پاسخگویی به ادعاها و نظرات ارائه شده طرف دیگر را داشته باشد.



- 3— طرفین اختلاف می‌توانند از استدلال‌ات خود نتیجه‌گیری کنند و معمولاً خواسته در این نتیجه‌گیریها مشخص و معین می‌شود.
- 4— طرفین اختلاف در طول دادرسی حق دارند در نتیجه‌گیریهای خود تغییراتی بدهند.
- 5— این تغییرات باید عقلایی بوده و در ماهیت خواسته تغییر ندهد.
- 6— تغییرات در نتیجه‌گیریها باید به نحوی ارائه شود که طرف دیگر فرصت پاسخگویی داشته باشد.
- 7— خواسته يك اختلاف نباید در طول دادرسی و با تغییرات در نتیجه‌گیری به خواسته با ماهیت جدیدی تبدیل شود.
- 8— بعد از پایان دادرسی نمی‌توان در نتیجه‌گیریها تغییر داد و یا خواسته جدیدی را ارائه نمود.